

ویژگی‌های بزرگ اخلاقی اباعبدالله الصّیّین علیه السلام

نویسنده: آیه الله سید محمد تقی مدرسی

مترجم: محمد صادق شریعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخشنده و بزرگوار

۱ - روزی يك اعرابی نزد امام حسین آمد و عرض کرد: ای فرزندان رسول خدای علی علیه‌السلام من پرداخت دیه‌ای کامل را ضمانت کرده‌ام اما از ادای آن ناتوانم. با خود گفتم که از بزرگوارترین مردم، آن را تقاضا می‌کنم و از خاندان رسول الله کسی را بزرگوارتر و بخشنده‌تر نیافتم.

پس امام حسین به وی فرمود: "ای برادر عرب از تو سه پرسش می‌کنم اگر یکی از آنها را پاسخ گفתי ثلث آن دیه را به تو می‌دهم و اگر دو پرسش را جواب دادی دو ثلث آن را به تو می‌پردازم و اگر هر سه پرسش را پاسخ گفתי تمام مالی را که می‌خواهی به تو می‌دهم."

اعرابی عرض کرد: آیا کسی مانند تو که اهل علم و شرف است از چون منی می‌خواهد بپرسد؟

حضرت فرمود: "آری. از جدّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ش‌نیدم که می‌فرمود. معروف به اندازه معرفت است."

اعرابی عرض کرد: آنچه می‌خواهی بپرس اگر پاسخ دادم (که هیچ) و گرنه جواب آنها را از تو فرا خواهم گرفت. و لا قوة الا بالله.

امام علیه السلام پرسید: "برترین اعمال چیست؟"

اعرابی گفت: ایمان به خدا.

حضرت سؤال کرد: "راه‌هایی از نیستی و نابودی چیست؟"

اعرابی گفت: اعتماد به خداوند.

امام حسین پرسید: "زینت دهنده انسان چیست؟"

اعرابی گفت: علم همراه با حلم.

امام پرسید: "اگر این نشد؟"

اعرابی گفت: مال همراه با مروّت.

حضرت پرسید: "اگر این نشد؟"

اعرابی گفت: "فقر همراه با صبر."

حضرت پرسید: "اگر این نشد؟"

اعرابی گفت: در این صورت صاعقه‌ای از آسمان بر او فرود آید و بسوزاندش که او سزاوار آن است.

آن حضرت برای ترغیب مردم به جود و سخاوت این اشعار را می‌خواند: - چون دنیا به تو بخشید تو نیز همه آن را پیش از آنکه از بین برود، بر مردم ببخش

آنگاه امام حسین علیه السلام خندید و کیسه‌ای که در آن هزار دینار بود، به او داد و انگشتی خود را که نگین آن به دویست درهم می‌ارزید، بدو بخشید و فرمود: "ای اعرابی این طلا را به طلبکارانت بده و انگشتی را به مصرف خود برسان."

اعرابی تمام آنها را گرفت و گفت: "خدا داناتر است که رسالتش را در کجا نهد." (۱)

۲ - انس بن مالک گوید: پیش امام حسین علیه السلام بودم که کنیز آن حضرت داخل شد و در حالی که دسته‌ای گل برای آن حضرت آورده بود، به وی سلام داد. امام به او فرمود: "تو را در راه خدا آزاد کردم."

عرض کردم: او به شما با دسته‌ای گل سلام کرد. این امر برای آن کنیز چندان مهم نبود که آزادش کردی؟!

فرمود: "خداوند ما را چنین ادب آموخته است. او فرمود: "چون به شما تحیت فرستادند شما نیز تحیتی بهتر از آن یا همانند آن بفرستید". بهتر از تحیت این زن، آزاد کردنش بود." (۲)

یاور ضعیفان

این صفت در حقیقت به مثابه شاخه‌ای از صفات پسندیده بخشش و کرم آن حضرت است. زیرا هر گاه نفس به بلندای صفات پاک و والابرسد نسبت به دیگران مهر می‌ورزد همچنان که ابر بر زمین و خورشید بر دیگر ستارگان مهربانی و محبت می‌بخشد.

۱ - پس از ماجرای عاشورا، بر شانه آن حضرت زخمی عمیق مشاهده کردند. به نظر می‌رسید که این زخم در اثر ضربت چند شمشیر بر شانه آن حضرت پیدا شده است. کسانی که این زخم را دیدند دریافتند که این، زخمی عادی نیست. از امام سجاد علیه السلام در این باره پرسش کردند. آن حضرت پاسخ داد: "این زخم در اثر حمل توپره‌ای بود که حسین علیه السلام آن را بردوش می‌گرفت و به منزل بیوه زنان و یتیمان و بیچارگان می‌برد." (۳)

۳ - آنحضرت برای ترغیب مردم به جود و سخاوت این اشعار رامی‌خواند:

- چون دنیا به تو بخشید تو نیز همه آن را پیش از آنکه از بین برود، بر مردم ببخش.

- پس بخشش، نابود کننده آن نعمت های رسیده نیست و بخل نمی‌تواند آن نعمتهای از دست رفته را نگاه دارد.

در حقیقت او پیش از آنکه گوینده خصال نیک باشد، عامل بدان هابود. داستان زیر از همین ویژگی امام حسین علیه السلام حکایت می‌کند.

شجاعت و دلاوری

ما شیعیان بر این باوریم که ائمه معصوم علیهم السلام به قله همه کمالات انسانی رسیده و در رسیدن به هر کمالی از همگان گوی سبقت ربوده بودند. اما شرایط خاص اجتماعی که هر يك از ائمه علیهم السلام در آن به سر می‌برده‌اند، موجب می‌شده تا صفتی مخصوص به همان اوضاع و شرایط در آن نمود بیشتری پیدا کند.

بنابر این می‌توان گفت که هر کدام از آنان صفتی متفاوت از دیگری داشته‌اند. صفت برجسته امام حسین علیه السلام، که وی را از دیگر ائمه متمایز ساخته، همانا شجاعت و دلاوری آنحضرت است.

هر گاه انسان واقعه کربلا را با آن صحنه‌های شگفت انگیز به خاطر می‌آورد صحنه‌هایی که در آنها خون با اشک و بردباری با مروّت و همدلی با فداکاری آمیخته بود، چهره قهرمان یکی از دلیر مردان این میدان یعنی حسین بن علی علیه السلام در شکوه‌مندترین و درخشانترین شکل خود نمایان می‌شود به گونه‌ای که اگر از توانایی‌های جنگی آن حضرت که آن را دست به دست و سینه به سینه از پدران خویش به ارث برده بود آگاهی نداشتیم و یا آنکه در این باره مدارک و اسناد قطعی تاریخی در دست نداشتیم و اگر بر این باور و اعتقاد نبودیم که رهبران معنوی می‌بایست آیت خلقت و معجزه خداوند باشند، چه بسا در بسیاری از حقایق ثابتی که عقل و اندیشه و ضمیر ما در برابر آنها سر تعظیم فرود آورده، گرفتار گمان و تردید می‌شدیم.

امام حسین علیه السلام در واقعه عاشورا در هر مناسبتی به میدان نبرد گام می‌نهاد و در میان تاخت و تاز اسبان برای یافتن جسد صحابی یا هاشمی که شهید شده بود به جستجوی می‌پرداخت. و چه بسا تا رسیدن بر سر جسد یاران خود درگیری‌های بس خونین میان او و دشمنانش در می‌گرفت.

هر يك از این درگیری‌ها و نبردها، خود یورش بی همتا و دشوار محسوب می‌شد. مصیبت، خود از نیروی انسان و اراده او می‌کاهد. گرسنگی و تشنگی او را فرسوده و ضعیف می‌کند و توان او را کاهش می‌دهد و گرمای شدید خود عامل دیگری است که تلاش بیشتری از وی می‌طلبد.

شکیبایی آن است که انسان در سخت‌ترین شرایط بر اعصاب خود مسلط باشد. بی‌گمان امام در روز عاشورا در دشوارترین و سخت‌ترین حالتی بوده که انسان در برابر ظلم و ستم پایداری کرده است. اما با این همه آن حضرت شکیبایی ورزید، آن گونه که حتی فرشتگان آسمانی از مقاومت دلیرانه و قدرت اراده و عزم پولادین وی به شگفت آمدند

تمام این موارد، در روز عاشورا برای امام حسین به وجود آمده بود. اما این حال او نیم زرهی در برکرده بود و با یورش‌های شجاعانه خویش بردشمن درنده خوی می‌تاخت. همچون صاعقه‌ای بود که چون فرود می‌آمد، دلاوران سپاه دشمن را مانند برگ درخت، در اطراف خود به خاک و خون می‌نشاند.

یکی از کسانی که در صحنه عاشورا حضور داشت، می‌گفت:

"هیچ کس را دلیرتر از حسین ندیدم. چون یورش می‌آورد، دشمنان مانند حیوان ضعیفی که از پیش روی شیر می‌گریزد، از مقابل او می‌گریختند. بعلاوه اینکه فصیح‌تر از ایشان کسی وجود نداشت".

عقاد در این باره می‌نویسد: "در میان نوع انسان هیچ کس دلدارتر از حسین علیه السلام در روز عاشورا یافت نمی‌شود." (۴)

بردبار حکیم

۱ - شکیبایی آن است که انسان در سخت‌ترین شرایط بر اعصاب خود مسلط باشد. بی‌گمان امام در روز عاشورا در دشوارترین و سخت‌ترین حالتی بوده که انسان در برابر ظلم و ستم پایداری کرده است. اما با این همه آن حضرت شکیبایی ورزید، آن گونه که حتی فرشتگان آسمانی از مقاومت دلیرانه و قدرت اراده و عزم پولادین وی به شگفت آمدند.

۲ - یکی از خادمان آن حضرت مرتکب عملی شد که بر وی مجازات لازم بود. امام دستور داد او را حد بزنند. خادم گفت: مولای من (وَالْكَاطِمِينَ الْعَيْظُ) (و آنهایی که خشم و غضب خود فرو نشانند) امام فرمود: رهایش کنید. خادم گفت: (وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ) (و از بدی مردم در گذرند) امام فرمود: از تو گذشتم. خادم گفت:

(وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (و خداوند نیکو کاران را دوست می‌دارد) امام فرمود: "تو در راه خدا آزادی و دو برابر مبلغی که پیش از این به تو می‌دادم، به تو خواهم داد". (۵)

پی نوشت ها:

۱ - اعیان الشیعه - سیّد محسن امین، ص ۴۰ - ۲۹.

۲ - أبو الشهداء - عباس محمود عقّاد.

۳ - اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۲.

۴ - أبو الشهداء - عباس محمود عقّاد، ص ۴۶.

۵ - الفصول المهمّة، ص ۱۵۹.